بسمه تعالی

راهکارهای روایی ترویج عفت در جامعه

زهرا موسوی[1]

چکیده

عفاف به‌معنای پرهیزکاری و پاک‌دامنی و خودداری از غلبه مطلق شهوت و تمایلات درونی است و در آیات و روایات غالباً در خصوص خودداری از شهوت جنسی و نفسانی به‌کار رفته است. دین مقدس اسلام بر این مطلب تأکید دارد که افراد برای مصونیت از گناه، لازم است که عملاً و با رفتارهایی عفت را در خود ایجاد و تقویت کنند. از جمله سفارش های دین اسلام برای ترویج عفت، کنترل نگاه، داشتن تزکیه نفس، روزه گرفتن، حیا داشتن، عبادت نمودن و به‌خصوص نماز خواندن است. ازدواج کردن نیز از جمله راه‌کارهای مؤثر برای ترویج عفت عملی است. برای ترویج عفت راهکاری تعریف می‌شود که فرد با نهادینه‌سازی آن‌ها می‌تواند از عفت برخوردار شود. این اصول عبارتند از داشتن ایمان، غیرت، تقوا، معرفت که فرد با رعایت و توجه آن‌ها از بی‌عفتی رهایی پیدا می‌کند؛ همچنین اگر فرد از فواید عفاف و از مضرات بی‌عفتی آگاهی داشته باشد، به تقویت عفاف در وجود خود می‌پردازد. داشتن عزت نفس، تعقل و دور اندیشی نیز در تقویت عفاف مؤثراند. این مقاله به بررسی «شیوه‌های ترویج عفت از دیدگاه روایات» پرداخته است که با تکیه بر روش «توصیفی- تحلیلی» با هدف اصلی «ترویج عفت در زندگی اسلامی» به انجام رسید. از آنجا که هدف خداوند از فرستادن انبیاء و تشریع احکام نجات انسان و رشد روحی و معنوی او بوده است،انسان فارغ ازبعد جنسیتی با رعایت دستورات الهی در راستای تزکیه نفس و قرب الهی و رشد اجتماعی گام برمی دارد،خدواند درکتابهای آسمانی برنامه های دین را به صورت کلی بیان نموده است و انبیاء نیز به صورت مستمر و مدون به تشریح آنها پرداختهاند و انسان را در مسیر عمل به این برنامه ها راهنمایی کرده اند. در عصر حاضر نیز وظیفه حکومت های دینی و علما ودانشمندان، تبلیغ و ترویج و ارائه راهکارهای مناسب و آگاهی بخشی به عامه مردم، برای پیدا کردن مسیر صحیح حیاتفردی و اجتماعی می باشد.یکی از این برنامه ها مساله عفت و ترویج آن است که در این مقاله به اهمیت و چرایی آن،آثارفردی و اجتماعی و راهکارهای علمی و قرآنی ترویج عفت در جامعه، به صورت پژوهشی پرداخته شده است. عفت بهعنوان یکی از ارزشهای اخلاقی و فرهنگی در جامعه ما بسیار مهم است.

کلید واژه‌ها: شیوه، ترویج، عفت، بی‌عفتی، روایات.

[1] طلبه مدرسه علمیه حضرت فاطمه محدثه سلام الله علیها اصفهان

مقدمه

در اسلام، عفّت به عنوان برترین عبادت شمرده شده و از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. امام صادق علیه‌السلام از امیرالمؤمنین علیه‌السلام روایت کرده است: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْعَفَافُ»بالاترین عبادت عفاف و عفت‌ورزی است. صاحب مفردات راغب در رابطه با معنای لغوی عفّت چنین می‌گوید: «العفّة حُصول حالة للنفس تمتنع بها عن غلبة الشهوة، المتعفّف المتعاطی لذلک بضرب من الممارسه و القهر»عفّت یک حالت نفسانی است که باعث جلوگیری و غلبه بر شهوت می‌شود و آن را مهار می‌کند و شخص باعفت آن را با ممارست و تمرین به دست می‌آورد. ملّااحمد نراقی صاحب کتاب معراج‌السعادة در تعریف عفّت آورده است: «عفّت عبارت است از: مطیع و منقاد شدن قوه شهویه از برای قوه عاقله، تا آنچه امر فرماید در خصوص اکل، شرب، نکاح و جماع متابعت کند و از آنچه نهی فرماید، اجتناب نماید.» در روایتی، امام صادق علیه‌السلام در رابطه با عفّت، می‌فرمایند:[1] «در مقابل عفت، تهتک‌وپرده‌دری می‌باشد. بنابر آنچه ذکر شد، چنین می‌توان نتیجه گرفت که اصطلاحا شخص باعفت کسی است که از انجام کارهای ناشایست خودداری می‌کند و در مقابل، شخص بی‌عفت کسی است که از انجام کارهای ناشایست و زشت هیچ شرم و حیایی ندارد.عفت از جمله صفاتی است که خداوند آن را در وجود انسان قرار داده و برای پاسداشت آن راه‌هایی را به انسان معرفی کرده است. مسلما سعادت یک جامعه وابسته به عفت و عفاف آن جامعه است. جامعه‌ای که عفت و عفاف، سرلوحه مردمش باشد بی‌تردید، نه تنها به سعادت و کمال اخروی خواهند رسید، بلکه از مشکلات بی‌عفتی در جامعه خویش در امان خواهند ماند. در خصوص این موضوع، یعنی راه‌کارهای گسترش و نهادینه کردن عفاف، اگرچه نگارنده به کتاب و یا پژوهشی مستقل در این رابطه، دست نیافته است،[2] اما می‌توان به کتب نهج‌البلاغه و معراج‌السعادة و جامع‌السعادات به عنوان کتاب‌هایی که به اصل مبحث عفت و عفاف پرداخته‌اند، اشاره نمود. خداوند متعال پرتوی از جلال و جال خویش را به انسان بخشیده است. مرد را جلوه ی جلال و زن را در چهره جمال خویش نموده و این دو را برای هم کامل کننده وجود هم قرار داده است. حجاب هم برای حفظ آرامش و امانت و صفا در زندگی خانوادگی و اجتماعی است.عفت و لزوم پوشیدگی زن در برابر مرد بیگانه از ضروریات دین مبین اسلام است. عفت جزئی از تمدن، فرهنگ و آداب و رسوم اسلامی و شریعت الهی است. فلسفه عفت در قفس کردن زنان نبوده، بلکه آزاد کردن آنها از زندان شهوت و رساندن بانوان به مقام والای خود بوده و حجاب سنگر مبارزه علیه دشمن ستمکار است. با توجه به جایگاه و اهمیت ویژه عفت وحجاب، در این نوشتار راهکارهای کاربردی در ترویج فرهنگ حجاب مورد تبیین قرار گرفته است.در این مقاله علمی – کاربردی ، ابتدا منابع و آثار مختلف پیرامون حجاب و پوشش مورد مطالعه قرار گرفت، نکات مورد نیاز در قالب فیش های مطالعاتی استخراج گردید، سپس راهکارهایی که می توانند مروج فرهنگ حجاب و پوشش باشند یک به یک مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفتند.

---

[1] نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، ص ۳۴

[2] عروسی حویزی، تفسیر نورالثقلین، ص۶۶

مفهوم شناسی عفت

عفت از فضائل اخلاقی به معنای پاکدامنی و خویشتن‌داری، به ایجاد حالتی در نفس اشاره دارد که انسان به وسیله آن از غلبه شهوات و از انجام محرمات به ویژه شهوات حرام دوری می‌کند. واژه عفت بر حالت خویشتن‌داری زن در برابر نامحرم و حفظ آبرو و پاکدامنی نیز به‌کار رفته است[1]. عفت در معنایی عام بر دوری کردن از هر چیزی که حلال نیست (اَلْکفُّ عَمّا لایحِلّ) اطلاق شده است. عفت در کنار حکمت، عدالت، شجاعت از فضایل برتر اخلاقی به شمار می‌رود و نزد علمای اخلاق، ملکه‌ای نفسانی است که قوه شهویه انسان را مطیع عقل قرار داده است. فضیلتِ عفت حد وسط بین شَرَه به معنای فرو رفتن در شهوات و خُمودگی به معنای دوری گزیدن از لذت‌های مشروع دنیوی مورد احتیاج بدن است.[2]

واژه شناسی عفّت: «عفّت» در لغت به «خودداری» معنا شده است؛ خودداری از حرام،چیزی که حلال نیست،چیزی که شایسته نیست و خودداری از سؤال و درخواست از مردم.[3] صاحبان تاج العروس و لسان العرب می نویسند: «عفّت یعنی خودنگه داری از چیزی که حلال و زیبا نیست و پست است».با توجه به معانی لغوی، عفّت، روی گردانی از خواهش های نفسانی، پاکی تن، پاکدامنی و خودنگه داری از تمام افعال حرام و زشت و ناپسند است.

معنای اصطلاحی عفّت: در علم اخلاق، معنای عفّت، به وسعت معنای لغوی نیست و بیشتر به خویشتن داری از شهوت جنسی و نیز خودنگه داری از مال حرام اطلاق شده است. مرحوم نراقی عفّت را این گونه معنا می کند:عفّت، ملکه انقیاد و رام شدن قوه شهوت در پیشگاه عقل است به گونه ای که تحت امر و نهی آن قرار گیرد؛ یعنی آن جا که عقل مصلحت می داند اقدام کند و آن جا که عقل در آن مفسده می بیند پرهیز کند و هیچ گاه با اوامر و نواهی عقل مخالفت نکند.وی در بخش دیگری به «رام ساختن قوه شهوت در موضوع خوردن و شهوت جنسی، چه از نظر کمیت و چه از نظر کیفیت» تصریح و اشاره می کند «مقصود از تابع عقل بودن، نگه داشتن جانب اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط است».در کتاب اخلاق اهل بیت (علیهم السلام) نیز آمده است: «عفّت، پرهیز و چشم پوشی از هر میل حرام و ناپسند مربوط به شکم و عورت، و رهایی از بندگی خوارکننده برابر شکم و شهوت جنسی است». مؤلف این کتاب معتقد است عفّت از برترین خصایص انسانی است که به کمال ایمان و شرافت انسان برخوردار از آن دلالت می کند و عزّتمندی و کرامت او را آشکار می سازد.صاحب جامع السعادات با تصریح به این که معنای عفّت، اعتدال و میانه روی در قوه شهوت است، دو صفت «شره» و «خمود» را جانب افراط و تفریط قوه شهوت می داند و سپس مصداق اعتدال و میانه روی را در خوردن و غریزه جنسی به اختصار تبیین می کند. وی در خوردن، به دو اصل «رعایت لقمه پاک و حلال»

---

[1] شریفی، آیین زندگی، ص۹۰

[2] قرائتی، امر به معروف و نهی از منکر، ص۴۳

[3] رشیدی، حریم عفاف، حجاب از دیدگاه آیات روایات، ص۸۸

و «پرهیز از پرخوری»، تأکید می کند و در غریزه جنسی رعایت دو اصل «فرو نشاندن میل جنسی از راه حلال» و «تکثیر نسل» را لازم می داند.

عفت در تفکر اسلامی: عفت یک عامل بازدارنده از حرکات مضر و زیان‌بار و کنترل کننده‌ای است که انسان را در مقابل انواع شهوت‌ها و تمایلاتی چون شهوت جنسی، مالی، و... باز می‌دارد و از این جهت یک ضرورت و خصلت لازم برای انسان به حساب می‌آید و باعث اعتبار و بالا رفتن ارزش و بهاء انسان می‌گردد.عفت زیربنای علم اخلاق است زیرا علمای اخلاق زیر بنای اخلاق نیک را چهار چیز شمرده‌اند: حکمت، شجاعت، عدالت و عفت در تفکر اسلامی عفت شامل منزه‌بودن و پاکی دست و زبان و شکم و دامن از هر گونه عیب و بدی است لذا عفت معنای عامی داشته و تمامی امور نفسانی را شامل می‌شود، مانند: پاکی چشم، پاکی زبان، ... و منحصر به پاک‌دامنی نیست ولی در فرهنگ اجتماعی ما مسئله عفت بیشتر در پاکدامنی زن و مرد مطرح است.در روایات، از عفت و پاکدامنی، به بالاترین شرافت‌ها، نتیجه عقل، برترین عبادت، کمال نعمت و به معنای خویشتن‌داری در کردار و گفتار تعبیر شده است، امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: مجاهدی که در راه خدا به شهادت می‌رسد پاداشش از کسی که توان انجام گناه را دارد ولی خود را کنترل می‌کند و عفت به خرج می‌دهد بیشتر نیست. انسان پاک نزدیک است فرشته‌ای از فرشتگان گردد. چرا چنین نباشد، در حالی که انسان عفیف در جهاد اکبر به پیروزی رسیده، ولی مجاهد فی سبیل‌الله، پیروزی را در جهاد اصغر به دست آورده است.تنها دین نیست که ما را به عفاف و پاکدامنی فرا می‌خواند، بلکه این ندا از درون آدمی نشات می‌گیرد، که دین نیز آن را تایید می‌نماید. غیرت، جوانمردی و کرامت نفسانی همگی انسان را به عفاف دعوت می‌کنند که طبق روایت، عفت و پاکدامنی اصل جوانمردی است علاوه بر این، هویت انسان در سایه قوام عفاف آشکار می‌گردد، از این‌رو از متون دینی نیز می‌توان دریافت که رابطه‌ای معقول و منطقی بین رشد عفاف و عقل وجود دارد و تعاملی متقابل بین این دو برقرار می‌باشد، به همین جهت امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: هر آن کس که عقل دارد، عفاف می‌ورزد، زیرا منشا هر دو صفت، حرکت به سوی تعادل و پرهیز از افراط و تفریط است.

متضاد عفت: عفت از مهم‌ترین فضایل انسانی محسوب می‌شود، برخی برای معرفی آن از، ضدش هتّاکی (پرده‌دری) استفاده می‌کنند به همین علت در بسیاری از موارد عفت را در مورد پرهیزکاری در خصوص، مسایل جنسی استعمال کرده‌اند، در حقیقت عفت حد اعتدال شرّه و خمودی است.شرّه فرو رفتن انسان در شهوات است و خمودی یعنی بی‌حرکتی در جهت لذات مشروع که بدن به آن‌ها به‌طور طبیعی و از سر ضرورت بدنی، احتیاج دارد. پاکدامن کسی است که اعمالش مطابق شریعت، عقل و جوانمردی باشد.

دامنه عفاف: بررسی ابعاد مختلف عفاف و گستره آن در شئونات فردی و اجتماعی دامنه وسیعی دارد که با استفاده از قرآن و سنت به چند مورد اشاره می‌کنیم.[1]

[1] ثابت، تربیت جنسی در اسلام، ص۷۷

۱-**در فکر**:عقل یکی از عوامل مؤثر در تعدیل خواهش‌های نفسانی و رام‌کردن غرایز بشری است، هرچه تفکر انسان متعادل شود و با فطرت کمال‌جویی او (خالی از هرگونه زشتی) بیشتر منطبق باشد سریع‌تر راه تکامل را می‌پیماید، عقل انسان به میزان عفت و قناعتش سنجیده می‌شود.[۱]

۲-**در نگاه**: چشم دروازه دل است و آن‌چه از این دریچه وارد وجود شخص می‌شود گاهی او را به سعادت و گاهی به شقاوت می‌کشاند، لذا عفت در نگاه توصیه شده که انسان خود را از نگاه‌های آلوده برحذر دارد، افراد چشم‌چران دچار اضطراب و نگرانی هستند که به دنبال آن طمع هوس‌آلود باعث رسوایی ایشان می‌شود.[۲]

۳-**در معاشرت**: از دیدگاه اسلام مشارکت اجتماعی زنان و تعامل و ارتباط بین زن و مرد در اجتماع داری آدابی است که آن را عفت اجتماعی می‌نامند (که پرهیز از خلوت و گفتگوهای فتنه‌انگیز و دست‌دادن و استعمال عطر و.... از آن جمله آن‌هاست).[۳]

۴-**در زینت**: تمایل انسان به زیبایی و جمال با سرشت آمیخته شده ولی این حس نباید از حد اعتدال خود تجاوز کند. افراط در آن، تجمل‌گرایی و خودآرایی و بی‌عفتی را به دنبال دارد که عوارض نامطلوبی را دارد.

۵-**در کلام**: عفت در کلام هرگونه گفتار باطل و بیهوده و گناه‌آلود و مخالف حق را نفی می‌کند و همچنین هرگونه ناز و غمزه در کلام و تغییر صدا که افراد شهوت‌ران را به فکر گناه می‌افکند، مردود می‌داند.

کلام و قلم از حد وسط عفت، بی‌نصیب نیستند و از جمله واجبات اخلاقی عفت کلام و قلم است، نه یکی را که حقش نیست بسیار بالا برد و نه بالعکس.

۶-**در ستر و حجاب**: قرآن، عفت در ستر را گاهی پوشاندن اعضاء و ستر عورت و حفظ بدن و گاهی وسیله، احترام و شخصیت زن و بازدارنده از دستبرد آزار مزاحمان معرفی می‌کند.

۷-**در مورد شکم**: در مورد شکم هم حد وسط مطلوب است و نباید برخی از روایاتی که در مدح و فضیلت افراط در گرسنگی آمده ما را به اشتباه اندازد، حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم) می‌فرماید: «طوبی لِمَنْ ظَمِیءَ اَوْ جاعَ للهِ؛ خوشا به حال کسی که برای خدا تشنگی یا گرسنگی کشد.»شارع مقدس باید در مقابل طبع سرکش، چنین سخن گوید و این از اسرار و حکمت شریعت است که هر وقت طبع انسان جانب افراط چیزی را طلب کند، شرع مبالغه و افراط در منع از آن می‌کند تا فرد به حال اعتدال برگردد.بنابراین افراط در گرسنگی ممدوح نیست، چون غرض از خلقت انسان، بندگی کردن است و آن موقوف است به قوت و نشاط

---

[۱] شیروانی، ترجمه رساله حقوق امام سجاد (علیه‌السلام)، ص۷۷

[۲] تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد، غررالحکم و دررالکلم ،ص۴۴

[۳] بحرینی، اخلاق ایمانی، ص۵۵

و خارج رحم تعیین می‌کند. می‌توان گفت: خانواده کوچک‌ترین و اولین محیطی است که در این زمینه نقش ایفا می‌کند. صرف‌نظر از پیشرفت فناوری و ارتباطات که امروزه مرزهای خانوادگی و جغرافیای را از سر راه خود برداشته، نهادها و مراکز آموزشی در رتبه دوم تأثیرگذاری بر رفتار انسان به شمار می‌آیند. بنابراین، نمی‌توان تأثیر وراثت و تربیت را نادیده گرفت. جالب است که در روایات به وراثت نیز توجه شده است. حضرت علی علیه‌السلام می‌فرمایند:[1] نیکویی خوی‌ها دلیل گرامی بودن ریشه‌هاست؛ یعنی دلیل گرامی بودن اصل و نسب صاحب آن است و نشان بزرگ زادگی اوست.رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرمایند: «انظر فی ایّ شیء تضع ولدک فانّ العرق دسّاس.»[2] این حدیث در کمال صراحت از قانون وراثت سخن گفته و از عامل آن به کلمه «عرق» تعبیر نموده است. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به پیروان خود توصیه می‌کند که ببینید نطفه خودتان را در چه محلی مستقر می‌کنید؛ از قانون وراثت غافل نباشید، توجه کنید زمینه پاکی باشد تا فرزندانتان وارث صفات ناپسند نشوند. اگر مرد و زن، از سجایای انسانی و الهی برخوردار باشند، نطفه آنها حامل بذرهای فضایل اخلاقی است، و اگر دارای صفات زشت انسانی باشند، نطفه آنها حامل بذرهای رذایل اخلاقی است و اگر فضایل و رذایل را توأمان داشته باشند، نطفه آنها حامل ترکیبی از بذرهای هر دو نوع صفت است. یک مزرعه در صورتی سبز و خرم و پرثمر خواهد بود که دارای زمین مستعد و پاک و آماده برای زراعت باشد نه شوره‌زار و لجن‌زار، و نیز باید از نعمت بذر سالم بهره‌مند باشد. زمین دل همسران نیز باید از آلودگی‌های رذایل اخلاقی و غیرانسانی و آثار بد گناه و نافرمانی خداوند پاک بوده و به صفات و سجایای اخلاقی آراسته باشد تا با بذرافشانی، شایستگی مقام پدر و مادر شدن و تربیت نسل سالم و پاک را داشته باشند و از راه وراثت سیرت نیک خود را به فرزندان منتقل نموده و زمینه را برای رشد و تربیت شایسته فراهم آورند. سرزمین پاک و طیب گیاه و ثمره‌اش به فرمان الهی می‌روید، ولی زمین ناپاک و خبیث جز گیاه ناچیز و بی‌ارزش نمی‌رویاند. این همان قانون وراثت است که خداوند به آن اشاره نموده است. محمد حنفیه، در جنگ جمل علمدار لشکر بود. علی علیه‌السلام به او فرمان حمله داد. محمد حنفیه حمله کرد، ولی دشمن با ضربات نیزه و تیر جلوی او را گرفت. از این‌رو، محمد از پیشروی بازماند. حضرت خود را به او رساند و فرمودند: «از ضربات دشمن مترس، حمله کن!» محمد قدری پیشروی کرد، ولی باز متوقف شد. علی علیه‌السلاماز ضعف فرزندش سخت آزرده‌خاطر شد، نزدیک آمد و با قبضه شمشیر به دوش او کوبید و فرمود: «این ضعف و ترس را از مادرت ارث برده‌ای؛ یعنی من که پدر تو هستم ترسی ندارم؛ اگر مادر شریف پر فضیلتی همچون صدیقه اطهر میداشتی نمی‌ترسیدی، این ترس را از مادر ضعیف خود ارث برده‌ای. بنابراین، نقش وراثت و ریشه و اصل را نمی‌توان در تشکیل شخصیت یک فرد نادیده گرفت. بسیاری از صفات خوب یا بد ریشه در اصالت خانوادگی فرد دارند. به همین دلیل، در روایات بر این نکته تأکید شده که انسان نباید با هر خانواده‌ای وصلت کند. امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: «از خاندان صالح همسر بگیرید که نطفه اثر (پنهانی) دارد؛ یعنی صفات و حالات والدین

[1] انصاریان، بر بال اندیشه ، ص۴۴

[2] ابی‌الحدید معتزلی، شرح نهج‌البلاغه ،ص۷۷

از راه نطفه به فرزند می‌رسد.»از این‌رو، والدین هم از نظر وراثت و هم از نظر تربیتی، نقش بسزایی در تکامل شخصیت انسان دارند، اما از نظر اهمیت نقش این دو باید گفت: نقش مادر مهم‌تر و پررنگ‌تر از نقش پدر است. مادر دارای دو گونه نقش و تأثیر درباره شخصیت انسان است: نقش وراثتی و نقش محیطی. در جنبه وراثت همه آنچه که مربوط به ویژگی جسمی و روانی او و گذشتگان است از طریق ژن‌ها و از مجرای مادر به فرد منتقل می‌شود. این صفات و شرایط جسمانی به گونه‌ای است که در تمام مدت حاملگی و حتی در دوران شیردهی با طفل همراه است؛ در حالی که نقش وراثتی پدر پس از انعقاد نطفه پایان می‌پذیرد و انتقال بعدی در این دسته از صفات مطرح نیست. در آنچه که مربوط به محیط می‌شود، طفل بیشتر تحت تأثیر محیط رحم، حجم و فشار و ویژگی‌های شیمیایی آن است تا محیط خارجی و بیرون رحم. طرز فکرها، خوی‌ها و رفتارهای مادر برای کودک درس است؛ از مادر نسبت به زندگی دید پیدا می‌کند و در سایه دیدن نقش‌های خوب و بد او، الگو گرفته و صاحب فرهنگ می‌شود. از این‌رو، امام صادق علیه‌السلامیکی از سعادت‌های انسان را داشتن مادری عفیف و باعفاف برمی‌شمارند؛ چراکه مسلما عفاف و عفت مادر در زندگی فرزند خالی از تأثیر نیست. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «خوشا به‌حال کسی که‌مادرش‌عفیف‌ودارای‌عفت‌است.»بنابراین، نقش وراثت و خانواده در تربیت و عفاف و شخصیت یک فرد خالی از تأثیر نیست. خانواده عفیف و بخصوص مادر عفیف، فرزندانی عفیف و درستکار را به جامعه تحویل خواهد داد. بسیاری از ناهنجاری‌هایی که ما در جامعه شاهد آن هستیم به خانواده و نوع نگرش آنها به مسائل زندگی بازمی‌گردد که بازخورد این تفکرات، هنجارها و یا ناهنجاری‌هایی است که همه آنها را می‌توان در فردی که در این خانواده پرورش یافته است مشاهده کرد.امام صادق علیه‌السلام در روایتی به نقش تربیت و خانواده در تعیین سرنوشت انسان اشاره کرده، می‌فرمایند: «هیچ کودکی نیست مگر اینکه بر اساس فطرت پاک الهی به دنیا می‌آید، ولی این پدر و مادر او هستند که او را یهودی یا نصرانی و یا مجوسی می‌کنند.»البته آنچه در رابطه با صفات موروثی ذکر شد به این معنا نیست که صفات و سرشت‌های موروثی قابل تغییر نیست؛ چراکه عادات تربیتی و تمرین‌های پیگیر پرورشی به قدری قوی و نیرومند است که می‌تواند بر سرشت‌های موروثی غلبه کند و وضع تازه‌ای را به وجود آورد. ریه آدمی طبعا برای استنشاق هوا ساخته شده است. کسی که برای اولین بار سیگار می‌کشد و دود را به اعماق ریه می‌فرستد، منقلب می‌شود، سرش گیج می‌رود، سرفه می‌کند و...؛ زیرا ریه برای دود ساخته نشده است، ولی در اثر تکرار رفته رفته معتاد می‌شود؛ گویی ریه طبع اولی و سرشت اصلی خود را فراموش می‌کند؛ چیزی که مایه تنفّر و انزجار بود، اینک وسیله لذت و خشنودی شده است. انبیای الهی نیامده‌اند که دیوانه مادرزاد را عاقل کنند یا احمق‌های بالفطره را نابغه بسازند؛ زیرا این کارها شدنی نیست و این صفات قطعی و غیرقابل تغییر است. انبیا می‌خواهند از راه تربیت صحیح نسبت به صفات قابل تغییر، مردم را تحت مراقبت ایمانی و عملی قرار دهند و آنان را به راه سعادت و کمال انسانی رهبری کنند؛ کسانی را که دارای اصالت خانوادگی و وارث صفات پسندیده هستند حمایت کنند، و فضایل نیکوی آنها را از قوّه به فعلیت برسانند تا در مسیر زندگی از صراط مستقیم خارج نشوند و سرمایه‌های موروثی خود را در اثر تربیت بد از دست ندهند. کسانی را هم که پدر و مادرشان افرادی آلوده و بداخلاق بوده‌اند و از آنان زمینه‌های پستی و ناپاکی به ارث

برده‌اند، با تربیت صحیح به تدریج استعدادهای نادرستشان را خاموش و به وسیله تعالیم الهی، فضیلت و پاکی را به صورت طبع دوّمی در آنها احیا نمایند.

نتیجه‌گیری

از آنچه گفته شد به دست می‌آید که:

۱. عفت و عفاف، یک ارزش است که در کنار ایمان و عبادت قرار گرفته و در تعالیم اسلامی راه‌کارهایی نیز برای تحقق این ارزش به انسان معرفی شده است.

۲. با تدبّر در قرآن و روایات و آگاهی از معنا و مفهوم دقیق عفّت و آثار فردی و اجتماعی آن و همچنین راه‌کارهایی که در دین برای رسیدن به این صفت والای انسانی وجوددارد‌وباعمل‌به‌آنها، می‌توان صاحب این ارزش اخلاقی شد و ملکه عفّت را در نهاد خویش مشاهده کرد.

۳. این نوشتار، با تبیین اجمالی برخی از راه‌کارهایی که در راستای گسترش و نهادینه شدن عفاف در جامعه می‌توان برشمرد، نتایج ذیل را به عنوان برخی از این راه‌کارها مطرح نمود:

الف. ایمان و تقوا که از اساسی‌ترین بنیان‌ها و راه‌کارهای گسترش عفاف می‌باشد؛

ب. غیرت مردان

ج. حجاب و پوشش؛

د. وراثت و تربیت؛

ه . تعدیل غرایز.

از دیدگاه اسلام، این راه‌کارها در جهت تقویت و حفظ عفاف در جامعه و آحاد افراد آن نقش بسزایی دارد و با بررسی اجمالی آیات و روایات، به خوبی می‌توان دریافت که همواره توصیه اسلام بر حفظ و حراست آنها بوده است. در پایان باید به این نکته نیز اشاره کرد که متأسفانه با کم‌رنگ شدن ایمان و تقوا در سطح جوامع امروزی، بخصوص در جوامع غربی، این صفت نیز روز به روز کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر می‌شود.

صاحبان علم و اندیشه اسلامی باید هر چه زودتر و سریع‌تر عزم خود را در این زمینه به کار گرفته و با القای این مفاهیم در اذهان مردم، جامعه را از سقوط و انحطاط و ارزش‌های اخلاقی حفظ نمایند؛ چراکه این افراد هستند که جوامع را تشکیل می‌دهند.انشاء اللّه در پرتو انوار الهی حضرت ولی‌عصر (عج) بتوانیم در این راه قدمی هرچند کوتاه برداریم و دل آن حضرت را خشنود و راضی نماییم.

فهرست منابع

۱ـ ابی‌الحدید معتزلی، عبدالحمید، شرح نهج‌البلاغه، قم، کتابخانه آیت‌اللّه مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.

۲ـ انصاریان، حسین، بر بال اندیشه، قم، دارالعرفان، ۱۳۸۳.

۳ـ بحرینی، محمدرضا، اخلاق ایمانی، تهران، صدوق، ۱۳۶۳.

۴ـ تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد، غررالحکم و دررالکلم، ترجمه مصطفی درایتی و حسین درایتی، چ دوم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸.

۵ـ ثابت، حافظ، تربیت جنسی در اسلام، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۵.

۶-جمعی از نویسندگان، مجموعه مقالات همایش تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۸.

۷-رشیدی، حسین، حریم عفاف، حجاب از دیدگاه آیات روایات، ازیان، بی‌جا، ۱۳۸۵.

۸ـ شوشتری، زهرا، «ماجرای غم‌انگیز روشن‌فکری در ایران»، کتاب زنان، ش ۱۳، پاییز ۱۳۸۰، ص ۱۴۰ـ۱۴۹.

۹-شیروانی علی ترجمه رساله حقوق امام سجاد (علیه‌السلام)، قم، دارالفکر، ۱۳۸۲ش، چاپ اول، ص۳۳.

۱۰-شریفی، احمد حسین، آیین زندگی، دفتر معارف، تهران، ۱۳۷۶.

۱۲- طباطبائی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، چ پنجم، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.

۱۳- طبرسی، فضل‌بن حسن، مشکاه‌الانوار فی دررالاخبار، چ دوم، نجف اشرف، کتابخانه حیدریه، ۱۳۸۵.

۱۴ـ عبدخدایی، محمدهادی، اخلاق پزشکی، قم، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱.

۱۵ـ عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، چ چهارم، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.

۱۶ـ عبدالواحدبن محمد تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، شرح آقا جمال‌الدین خوانساری، ج ۳، ص ۲۳۳. ۱۴۷۰ق

۱۷-عامری، حمیده، گستره عفاف به گستردگی زندگی، فصلنامه کتاب زنان، ش ۱۲، ص۱۱۰.

۱۸-غررالحکم، ماده عفت به نقل از راه روشن، آشنایی با حکمت‌های نهج‌البلاغه، م ر جویباری و جمعی از نویسندگان، قم، نسیم، فردوس، ۱۳۸۵ش، چاپ چهارم، ص۱۸۱.

۱۹ـ قائمی، علی، خانواده و دشواری‌های رفتاری کودکان، چ هشتم، تهران، انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۸۲.

۲۰-قریشی، سیدعلی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ۱۳، ج۵، ص۱۸.

۲۱-قرائتی، محسن، امر به معروف و نهی از منکر، مرکز فرهنگی درس‌های از قرآن، تهران، ۱۳۸۹.

۲۲-مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، قم، مدرسه الامام علی بن ابی‌طالب (علیه‌السلام)، ۱۳۸۱ش، چاپ دوم، ج۲، ص۲۸۴

۲۳-مکارم شیرازی و همکاران، ، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۴، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸

۲۴-نهج‌البلاغه، ترجمه محمد دشتی، چاپ سوم، قم، لقمان، ۱۳۷۹.